

## تجلی و تجسد در مطالعه تطبیقی نقوش سنگ مزارات آرامستان تخت فولاد با آرامنه جلفای اصفهان بر مبنای قرآن کریم و انجیل



شهریار شکرپور\*  
بهاره جهانمرد\*\*

مقاله پژوهشی

doi: 10.22034/JKSL.2022.327911.1063

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۴  
پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

### چکیده

سنگ‌مزارهای آرامستان تخت فولاد و آرامنه جلفای اصفهان پس از گذشت قرن‌ها به بستری برای هنرآفرینی حجاران، خوش‌نویسان و هنرمندان تبدیل شده‌اند و اعتقادات مذهبی دو دین آسمانی اسلام و مسیحیت، باورهای قرآنی و انجیل، تعامل آرامنه و مسلمانان در اصفهان و روند تحولات هنر تصویری پیرامون آن را به نمایش می‌گذارند. نقش‌مایه‌های گیاهی، جانوری، فرشتگان و مشاغل از جمله بیش‌ترین تزئینات این سنگ‌مزارها است که پیوند عمیق و ناگسستنی هنرمندان و حجاران ایرانی و ارمنی را با مفهوم مرگ و حیات پس از آن و اعتقادات مذهبی، جلوه‌گر می‌سازند. در مقاله پیش‌رو تلاش شده است با جمع‌آوری اطلاعات به صورت مطالعات میدانی، اسناد و منابع کتابخانه‌ای، و با روش توصیفی-تحلیلی، پردیس‌نگاره‌های سنگ‌مزارهای مسلمانان با آرامنه در چهار گروه مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته و تلاش می‌شود شباهت و تفاوت‌های موجود میان نقوش سنگ‌مزارهای تخت فولاد و آرامنه جلفای اصفهان بر مبنای نظریه تجسد و تجلی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بر اساس مطالعات انجام یافته مشخص گردید که بیش‌ترین و متنوع‌ترین نقوش به کار رفته مشابه میان سنگ‌مزارات این دو آرامستان، نگاره‌های گیاهی است که شیوه اجرای آن‌ها در بیش‌تر موارد به روش ترکیبی از طبیعت‌گرایانه و انتزاعی است. نقوش سنگ‌مزارات آرامستان جلفا با رویکرد تجسد (به صورت شمایل‌گرایی)، با تاکید بر حضور نمادین مسیحیت (صلیب یا خاچکار) در کنار نگاره‌های انسانی جلوه‌گر شده، اما در اکثر مزارات تخت فولاد، با رویکرد تجلی (شمایل‌گریزی اسلام)، با وجود کتیبه‌های بسیار و دوری از نقوش انسانی، به ویژه تصویر زنان تجلی یافته است؛ که ریشه در تفاوت‌های بنیادین مبانی هنر اسلامی (قرآن) و مسیحیت (انجیل) دارد.

**واژگان کلیدی:** نقوش سنگ‌مزار، حجاری، تجلی، تجسد، آرامستان جلفای اصفهان و تخت فولاد.

۱. استادیار دانشکده هنرهای صناعی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران.  
sh.shokrpour@tabriziau.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران  
ba.jahanmard@tabriziau.ac.ir

## مقدمه

مفهوم مرگ و حیات پس از آن، از روزگاران کهن تا به امروز یکی از مهم‌ترین تفکرات و تصورات آدمی را به خود اختصاص داده است. این بینش در تمامی ادوار و ادیان مختلف به جلوه‌های گوناگون از آیین‌ها و هنرها، نمود عینی و معنوی پیدا کرد؛ که یکی از جلوه‌های آن طراحی سنگ مزارهاست. سنگ‌هایی که در ابتدا برای محافظت مردگان از گزند محیط به کار برده و به منزله جایگاه ارواح و واسطه‌ای نمادین بین انسان‌ها و نیروهای آسمانی، مقدس پنداشته می‌شدند. آیین تدفین در ایران پیش از اسلام، از غارهای هوتو و کمربند در شمال و زیگورات‌ها گرفته تا تپه‌های سیلک کاشان دیده می‌شود. در عصر ساسانیان پیکر مردگان را بیش‌تر در هوای آزاد قرار داده و سپس استخوان‌ها را در «استودان» جمع آوری می‌کردند؛ تا همین اواخر نیز زرتشتیان اجساد مردگان‌شان را دفن نمی‌کردند. در عقیده‌ی مسیحیت، هر کس روح فنا ناپذیری دارد و مستقیماً در الوهیت شریک است، مسیر رشد باز هم بیش‌تر پیش می‌رود و خدا یا مسیح بیرونی به تدریج به مسیح درونی هر فرد مؤمنی تبدیل می‌شود و همچنان واحد و یکسان می‌ماند و در عین حال در افراد بسیاری سکنی می‌گزیند (یونگ، ۱۳۸۴، ۱۷۵).

دیدگاه اندیشه‌ی اسلامی به مرگ، نوعی گذرگاه به سوی جهان آخرت، معاد و شروع حیاتی دیگر و در مسیحیت مبتنی بر جهان برزخ، رستاخیز، داوری الهی و تاکید محوری بر شخصیت مسیح و اسطوره رنج و مصلوب شدن اوست (مولند، ۱۳۸۰، ۱۰۰-۱۲۷). اسلام مانند مسیحیت و دیگر ادیان آسمانی مرگ را ورود به دنیایی دیگر می‌دانست و با آن که تدفین و آیین خاکسپاری در ایران را معمول کرد؛ اما مقبره‌سازی و برآوردن گور از سطح زمین را رواج نداد (منتظرالقائم، ۱۳۸۹، ۴۹۱). نشان قطعی از آغاز به کارگیری سنگ مزارها در دست نیست، اما شیعیان بودند که با تدفین و قرار دادن نشانی بر مزار پس از چهل روز، سنگ مزارها را پایه‌گذاری کردند (تناولی، ۱۳۸۸، ۵-۸). در اسلام به زیارت قبور مومنین تاکید فراوانی شده است و روایات بی‌شماری وجود دارد. نبی اکرم می‌فرماید: «بدرستی که زیارت قبرها آخرت را به شما یادآوری می‌کند» (نیلفروشان، ۱۳۸۴، ۳). ارامنه نیز که قبل از ورود به اصفهان سنت حجاری خود را داشتند و وجود کوه‌های متعدد مثل «ماسیس» و «سپیان» کمک شایانی به پیشرفت هنر حجاری آنان به ویژه سنگ مزار و خاچکارها<sup>۱</sup>

۱. صلیب‌سنگ‌ها-عمدات سنگ‌های مستطیل شکلی بودند که بر روی آن‌ها انواع صلیب و نقوش تزئینی و نوشتاری حک شده است. Khachkar

کرد (شاهمندی، ۱۳۹۲، ۷۲).

## روش تحقیق و گرد آوری اطلاعات

روش پژوهش پیش رو کیفی و روش انجام آن توصیفی- تحلیلی می‌باشد. همچنین گردآوری اطلاعات بر مبنای تحقیقات میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در طی چندماه بسیاری از سنگ‌مزارهای آرامستان جلفا و تخت‌فولاد اصفهان توسط نگارندگان تصویربرداری شد و گستره پژوهش تمامی مزارات آرامستان ارامنه و تخت‌فولاد را در برمی‌گیرد. متأسفانه بسیاری از سنگ‌ها به ویژه در آرامستان ارامنه جلفا در طول زمان، با وجود بارندگی و فرسایش، ساییده و شکسته شده و از بین رفته‌اند و یا در حال نابودی هستند. جامعه آماری پژوهش بر اساس نمونه‌گیری انتخابی از تخت فولاد و ارامنه برای هر نقش، ده سنگ‌مزار و در مجموع چهل عدد می‌باشد که قابل طبقه‌بندی در چهارگروه کلی بوده و مورد بررسی قرار گرفت. پس از بررسی میدانی و عکسبرداری، با طراحی و بازسازی نقوش در نرم‌افزارهای گرافیکی، تلاش شد با ابعاد دقیق و با مقیاس درست طراحی و ترسیم شوند. در نهایت با توصیفات، اطلاعات به روش تحلیلی دسته‌بندی و مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفتند.

## پیشینه تحقیق

در پژوهش حاضر نقوش به صورت تطبیقی، با در نظر گرفتن مبانی اسلام و مسیحیت و نظریه تجسد و تجلی، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. بلخاری از پژوهشگرانی است که به طور تخصصی به مطالعه مبانی ادیان به ویژه مقایسه هنر اسلامی و مسیحیت پرداخته است (بلخاری، ۱۳۸۴). اصفهان شهری که در دوران مختلف مانند سلجوقیان و صفویان مرکز ثقل حکومت بوده است و از این رو پژوهشگران بسیاری از گذشته تا امروز درباره‌ی تاریخ شکل‌گیری آن، فرهنگ و هنر، اتفاقات تاریخی، مهاجرت ارامنه به اصفهان و شکل‌گیری جلفا، بناهای معماری و آرامستان‌های اصفهان به ویژه جلفا و تخت فولاد، و مشاهیر مدفون در آن تحقیق کرده‌اند (جناب، ۱۳۷۶)، (بلانت، ۱۳۸۴)، (حق نظریان، ۱۳۸۵)، (لازاریان، ۱۳۸۲)، (مظاهری، ۱۳۸۲)، (دروهانیان، ۱۳۷۹)، (هوویان، ۱۳۸۴). دسته دیگری از محققین این حوزه به بررسی دقیق و تخصصی‌تر برخی مزارات ایران و اصفهان پرداخته‌اند (غروی، ۱۳۷۶)، (مهدوی، ۱۳۸۲)، (همایی، ۱۳۸۱)، (فقیه میرزایی، مخلصی و حبیبی، ۱۳۸۴)، (عقیلی

۱. نرم‌افزارهای (Corel draw) - (Adobe illustrator - Photoshop)

۱۳۸۵)، (میناسیان، ۱۳۸۵). از مرور پیشینه این پژوهش چنین برداشت می‌شود که برخی از محققان حوزه‌ی هنر، با بررسی آرایه‌ها و تزیینات آرامگاه‌های ایران به مطالعه‌ی تصویری سنگ‌مزارهای ارامنه و مسلمانان و تحلیل نقوش آن پرداخته‌اند؛ تا نشان دهند چگونه هنرمندان سنگ‌مزارها را به بهترین شکل با خطوط و نقوش بسیار آراسته‌اند (تناولی، ۱۳۸۸)، (شاهمندی و دیگران، ۱۳۹۲)، (کاظم‌پور و دیگران، ۱۳۹۹)، (تمیزی، ۱۳۹۲)، (خدادادی، علی و دیگران، ۱۳۹۷)، (جهانمرد، ۱۳۹۷).

### مبنای نظری پژوهش

این پژوهش بر مبنای نظریه‌ی تجلی و تجسد در متن دین (اسلام و مسیحیت)، نقوش مشترک سنگ‌مزارهای تخت فولاد و ارامنه را در چهار دسته کلی مشترک: نقش‌مایه‌های گیاهی، جانوری، فرشتگان و مشاغل بر مبنای نظریه تجسد (شمایل‌گرایی) مسیحیت و تجلی (شمایل‌گریزی) اسلام، مورد مطالعه تطبیقی قرار می‌دهد. هنر ادیان متأثر از اصول بنیادی دین و بازتاب آیین‌گون آن در قالب زیباشناسانه است. صورت نمودن «امر مطلق» در دین، ماهیت آن را تعیین خواهد کرد که اگر صورت نمایند، هنری تجسمی است و یا صورت ننموده و انتزاعی باشد (بلخاری، ۱۳۹۵، ۳). همه ادیان الهی زمینه‌های مشترکی مانند ایمان به خدای یکتا، حقیقت قدسی و معنوی و ارزش‌های اخلاقی دارند. از مشترکات نگرش مسیحی و اسلامی به هنر، دیدگاه شهودی آن است و به خصوص هنرمند مسلمان با سیرو سلوک، آنچه که مکاشفه کرده را بیان می‌کند. نکته دیگر رمزی و سمبولیک بودن هر دو هنر است که بیانی نمادین می‌یابند و زبانی واقع‌گرا ندارند. در مسیحیت لوگوس یا کلمه الهی در شخصیت مسیح متجسد می‌شود و در اسلام رمز کلام الهی در حروف قرآنی تجلی می‌یابد که هر دو هنر ریشه در متون مقدس قرآن و انجیل اربعه دارند (شاهمندی، ۱۳۹۲، ۱۸۷-۱۸۹). گفتمان غالب هنر مسیحیت، محسوس نمودن ذات باریتعالی و تجسد عالی‌ترین نامحسوس، یعنی خدا در صورت انسانی و تن مسیح است؛ از سوی دیگر گفتمان اسلام بر مبنای توحید شکل گرفت و خدا در آن نامحسوس گردید. روایت‌هایی چون کشتی گرفتن یعقوب با خدا، حضوری کامل در عهد عتیق دارد؛ و بر اساس این روایت‌ها در ابتدای انجیل یوحنا کلمه متجسد شد و تجسد به یکی از ارکان شریعت عیسوی تبدیل گردید. همچنین علاوه بر بنیادهای یهودی، حضور تمدن رم نیز کاملاً تجسد محور، و از جمله عوامل موثر در این زمینه بود. محوریت اصلی در مسیحیت بر خلاف اسلام، متأثر از



شخصیت پیامبر آن است. خداوند با بیان لن ترانی (هرگز مرا نخواهی دید) هرگز صورت نمود و این مبنای صورت‌پردازی در اندیشه اسلامی، با تجلی نمودن بر کوه، بنیادی در ظهور صور حقیقی ارائه نمود که تمثیل و تمثیل در هنر اسلامی را سبب گردید (بلخاری، ۱۳۹۴، ۲۰۷-۱۹۴). « قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ اَنْظُرْ اِلَى الْجَبَلِ فَاِنَّ اِسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا اَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ اِلَيْكَ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ » (اعراف: ۱۴۳). «در ازل کلمه بود. کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود، از ازل کلمه با خدا بود. همه چیز به وسیله او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد... کلمه انسان شد و در میان ما ساکن گردید. ما شکوه و جلالش را دیدیم...» (انجیل یوحنا، باب اول-آیات ۱-۱۴).

مخالفت اسلام با تصویرگری (شمایل‌شکنی) به اشتباه در بسیاری از منابع تکرار شده است، درحالی که در متن دین (قرآن) هیچ سند مبتنی بر مخالفت تصویرگری نیست. شاید برخی احادیث و نظرها در علوم دینی چون فقه، موجب این امر گردیده است؛ این نکته را باید در نظر داشت که مراسم خاکسپاری و سنگ‌مزارات به شدت بیش‌تری تحت کنترل این احکام فقهی هستند. از این رو در سنگ‌مزارهای تصویری تخت‌فولاد با رویکرد شمایل‌گریزی، نقوش گیاهی بیش از همه و نقش‌مایه‌های جانوری و به خصوص تصاویر انسانی اندک شمار به کار رفته‌اند! هنر مسیحیت که از بنیان بر مبنای شمایل‌گرایی شکل گرفت و رابط بین مومن و خدا در این دین مبتنی بر تجسد است، درحالی‌که در اسلام کلام این جایگاه مقدس را می‌یابد. در نتیجه نبود تصویرگری در اسلام برخلاف مسیحیت، دلیل مخالفت دین نیست؛ همان‌طور که بر عکس آن؛ یعنی نبود خوشنویسی و کتیبه در مسیحیت، کلیساها و بسیاری از سنگ‌مزارها را نباید به مخالفت آن دین با کلام تعبیر کرد. این مساله در برخی از منابع به غلط اسلام را دینی شمایل‌شکن و شمایل‌ستیز معرفی کرده است. تصویر در اسلام از ابتدای ظهورش، اساساً جایگاهی شمایی پیدا نکرد و کارکرد آیینی نیافت، که اتفاقی شمایل‌شکنانه مانند آنچه در مسیحیت رخ داد، صورت گیرد. در واقع هنر اسلامی از آغاز شمایل‌گریز بود و بدین ترتیب از شمایل‌پرستی دوری کرده است. از این جهت شمایل‌گریزی اسلامی در نقوش آرامستان تخت‌فولاد به معنای نفی هرگونه صورت‌پردازی به شکل صورت‌ستیزی نیست و زبان انتزاعی و تمثیلی نقوش

۱. سنگ‌مزارهای تصویری مسلمانان که با شکل شیرهای سنگی شروع شد و نوعی تبلیغ و پیشبرد شیعه به قصد نشان دادن صفات حضرت علی (علیه السلام) بود (تناولی، ۱۳۸۸، ۷).

سنگ‌مزارهای مسلمانان تخت فولاد ریشه در همین موضوع دارد و نه به منع تصویری، که به حرمت آن بر می‌گردد. به ویژه تعداد اندک نقوش انسانی در تخت فولاد بر خلاف تعداد زیاد این تصاویر در آرامستان جلفا، نه به متن دین که به استنباط علوم ادیان مرتبط می‌شود. شیء آیینی اسلام، کلام و خوش‌نویسی است که به درستی در جغرافیای کتیبه‌های سنگ‌مزارهای مسلمانان تخت فولاد جایگاه والایی یافته است و در مسیحیت نیز تجسد تن مصلوب عیسی است که در بسیاری از مزارهای آرامنه همراه با نقش صلیب و خاچکارها جایگاه والایی می‌یابد. بر خلاف مسیحیت که محوریت متاثر از مسیح است، اسلام محوریت را به الله می‌دهد و پیامبر مرتبه الوهی نمی‌یابد و الله نیز متجسد نمی‌شود.

### نگاهی به آرامستان تخت فولاد و آرامنه جلفا

در گذشته برخی محلات شهر اصفهان، آرامگاهی جداگانه داشتند و با رشد و گسترش محلات شهر، گورستان‌های زیادی مانند آب بخشان، طوقچی و سنبلان دایر شد که در این میان آرامستان تخت فولاد و آرامنه جلفا با قدمت دیرینه خود از گذشته تا امروز از جایگاه والایی برخوردار بوده‌اند. آرامستان تخت فولاد به مساحت تقریبی ۷۵ هکتار در حاشیه جنوبی زاینده‌رود و پل خواجه قرار گرفته است و قدیمی‌ترین مزار آن متعلق به «یوشع بن نون» از اولیای بنی اسرائیل است. این مکان در دوره صفوی آرامستان رسمی و بزرگ شهر شد که تا دوره معاصر سال ۱۳۶۳ شمسی ادامه یافت. در تخت فولاد علاوه بر بناها با فرم نمادینشان، به کمک انواع تزئینات، نقوش و کتیبه‌ها تلاش شده است تا به صورتی پرمعنا و رمزگونه مفهوم مرگ و زندگی را مورد توجه قرار دهد و تجلی تصویری زمینی از عالم دیگر باشد (شاهمندی و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۰۴). تکایای تخت فولاد شامل: تکایای کاملاً از بین رفته، دوره صفوی، قاجار و معاصر (پهلوی و جمهوری اسلامی) هستند (فقیه میرزایی، ۱۳۸۴، ۴۵).

آرامستان آرامنه جلفا در دامنه جنوبی کوه صفه و در نزدیکی دروازه جنوبی اصفهان قرار گرفته است و مساحت تقریبی آن حدود ۳۰ هکتار است که محل دفن اموات آرامنه و مسیحیان پس از مهاجرت در دوره صفوی تا به امروز است. موج مهاجرت آرامنه به ایران از شاه اسماعیل اول بنیان‌گذار سلسله صفوی تا جانشینانش در طی چندین مرحله شکل گرفت که مهم‌ترین آن ارتباط تنگاتنگی با شاه عباس اول دارد، که از سیاست زمین‌سوخته استفاده کرد (گریگوریان، ۱۳۸۶، ۳۷۹-۳۸۱). او با هدفی نظامی دستور به خروج ساکنان





شهرهای مرزی بین امپراتوری ایران و عثمانی داد تا با ایجاد منطقه‌ی خالی از سکنه و آذوقه، سپاهیان عثمانی را هلاک کند. شاه عباس در این راستا دستور داد سپاهیانش تمامی شهرها و روستاهای سر راه تا مرزهای ایران را ویران سازند تا به این ترتیب مانع از تعقیب سریع سپاهیان عثمانی شوند. آنان ساکنان خانه‌ها را مجبور به ترک خانه‌هایشان می‌کردند و آنان را کوچ می‌دادند و هرکس در مقابلشان ایستادگی می‌کرد و حاضر به رفتن نمی‌شد یا اینکه توان رفتن نداشت محکوم به مرگ بود (مانوکیان، ۱۳۸۶، ۲۳۶). هدف دیگر استفاده از آرامنه ثروتمند و با تجربه در صنعت و ماهر در تجارت و بازرگانی بود (حق نظریان، ۱۳۸۵، ۱۵). از این پس بر ثروت و قدرت آرامنه جلفای اصفهان افزوده شد، هرچند در برهه‌هایی از تاریخ شرایط سختی بر آنان تحمیل شد و بسیاری مهاجرت کردند (بلانت، ۱۳۸۳، ۱۰۳).



تصویر ۱- آرامستان تخت فولاد تصویر ۲- آرامستان آرامنه (ماخذ: نگارندگان)

### بررسی تطبیقی نقوش سنگ مزارها

نگاره‌های سنگ‌مزارها را می‌توان در سه دسته‌ی: نشانه، نماد و پیکتوگرام<sup>۱</sup> جای داد. نقوشی که نشانه‌هایی از زندگی پیرامون و مستقیم دلالت بر خودشان دارند، نشانه و نقوشی که از معنای واقعی فراتر رفته و مفهوم عمیق‌تری می‌یابد، نماد هستند؛ که بسیاری از نقوش مزارها از دسته نماد می‌باشند. پیکتوگرام‌ها نیز نشانه‌های تصویری بازنمایی ساده شده از یک شیء موجود یا فعالیت خاص است که منجر می‌شود مخاطب به سرعت پیام آن را دریافت کند؛ و به هر زبان قابل فهم و بیش‌تر جهت

۱. Pictogram - پیکتوگرام - نشانه‌ای تصویری.

راهنمایی بازماندگان در پیدا کردن سنگ‌مزار، به ویژه برای بیسوادان بودند (نادری، ۱۳۸۸، ۳۴۸). البته مرز کاملاً مشخصی میان آن‌ها نیست و گاهی درهم ادغام می‌شوند؛ نقشی ممکن است هم نشانه، پیکتوگرام و هم در معنای ژرف‌تر از حقیقت ظاهری، به نماد تبدیل شود (بروس و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۰). همچنین می‌توان نقوش سنگ‌مزارها را به سه طبقه‌ی کلی: روایی، تزئینی و نمادین تقسیم کرد؛ برخی از نمونه‌های اندک روایت یک داستان و یا تنها تزئینات هستند. تاریخ بشری گویای این است که نمادگرایی قدیمی‌ترین شیوه‌ی است که انسان هنرمند توانست به کمک آن ارزش‌های فرهنگی و هنری خود را جلوه‌گر نماید و یکی از دلایل ماندگاری تمدن‌های باستانی و تاریخی همین استفاده‌ی از سمبل و نمادهاست که در بخش وسیعی از سنگ‌مزارها تجلی یافته‌اند. نقش و نگارهای سنگ‌مزارها همواره تجسم آگاهانه اعتقادات، رمزها و نمادها بوده است. زبان این نقوش که اساطیر و دین در آن مستتر و از آن جا که زبان دین و اساطیر همواره نمادین و سمبلیک بوده است. به اعتقاد «یونگ»، تاریخ نمادگرایی نشان می‌دهد که هرچیزی می‌تواند معنای نمادین یابد (جهانمرد، ۱۳۹۷، ۳۶-۳۷). همچنین برای رمزگشایی انواع تزئینات و نقوش سنگ‌مزارهای تخت فولاد و جلفا، و مطالعه تطبیقی آن‌ها باید به باورهای مذهبی و قومی ایرانیان و ارامنه که در طول زمان به تکامل و گسترش خود ادامه دادند، توجه نمود؛ و همان‌طور که گفته شد؛ بیش از همه مبانی دینی اسلامی (تجلی) و مسیحیت (تجسد) را به نمایش می‌گذارند. مرگ یعنی پل ورود به جهانی دیگر، و به معنی رستاخیز و هنگام داوری الهی، بهشت و دوزخ است. از آنجا که دین و مذهب با زندگی مردم ایران آمیخته است، هنری که بر روی سنگ‌مزارها شکل می‌گیرد، با اصلی‌ترین اصول دین یعنی مرگ و رستاخیز ارتباط می‌یابد و هنری کاملاً دینی است. البته تفاوت‌هایی اساسی میان نقوش مزارهای ارامنه و مسلمانان وجود دارد که مبتنی بر تمایز کتاب مقدس و قرآن است. کتاب مقدس مجموعه‌ای از متون داستانی و تاریخی که می‌توان آن را به صورت تصویر برگرداند؛ حال آنکه متن قرآن کلام الهی است و بازنمایی آن با نوشتار بهتر ممکن است (بورکهارت، ۱۳۸۶، ۳۶).

از یک سو نقوش سنگ‌مزارها از سنت‌های چند هزار ساله تصویری ایران بهره می‌برد؛ که نخستین نمود آن در تزئینات سفالینه‌ها در آثار عیلامیان، سیلک‌کاشان، تپه حصار دامغان، به صورت کژ نمای انسانی و صور ساده شده حیوانی و نقوش هندسی دیده می‌شود؛ و از سوی دیگر نقوش ارامنه، میراث‌دار شمایل‌نگاره‌های صدر مسیحیت است،





که هنرمندان به صورت نقاشی و حجاری با کمک رمز و سمبل، نمادهایی مانند میش، نخل، ماهی، کبوتر سفید را بر دیواره‌های کاتاکمب‌ها<sup>۱</sup> نقش می‌کردند (شاهمندی، ۹۲، ۱۳۹۳). به لحاظ نوع اجرای کار، دو حالت در نقوش سنگ مزارها وجود دارد. حالت ساده که بر حجاری بسیاری از مزارهای مردم عادی دیده می‌شود که در آن از پرداخت‌های باشکوه و تکنیک فنی و والا چندان خبری نیست ولی وجه تمثیلی نقوش و برخورد صادقانه و دلنشین هنرمند و ریتم هماهنگ آن در نوع استفاده از نقوش و در قالب ترکیب‌های نامتعارف به وضوح دیده می‌شود. این نقوش تمایز زیادی با حجاری با شکوه و عظمت برخی دیگر از سنگ مزارها دارد که چنین به نظر می‌رسد حاصل کار و تفکر حجاران طراز اول و شاخص دوران خود و با حمایت اطرافیان متوفی، عشق و قریحه هنرمند در آن نمود می‌یابد؛ که رمز ماندگاری آن است. مهم‌ترین دسته‌بندی نقوش تصویری سنگ‌مزارهای آرامستان آرامنه جلفای اصفهان و تخت فولاد بر مبنای هدف این پژوهش، در چند طبقه اصلی نقوش گیاهی، جانوری، فرشتگان و مشاغل قرار دارد. برخی نقوش دیگر مانند صلیب و کشکول هستند که بین مزارهای آرامنه و مسلمانان متفاوت است. همچنین نقش‌مایه‌ها در شیوهی اجرا، انتزاعی یا واقعی بوده؛ مثلاً نقوش گیاهی در مواردی به شیوهی طبیعت‌گرایانه و واقعی و یا کاملاً انتزاعی و ذهنی هستند.

### ۱- نقوش گیاهی

گیاهان نمادی از زندگی، باروری و حیات‌بخشی هستند که از دوران نخستین با تغذیه بشر از آن، اهمیت و جایگاه خاصی یافتند. تصور حیات دایره‌ای تولد-مرگ و زایش دوباره از صفات گیاهان به شمار می‌رود؛ و سبب آن شد که در نزد بدویان نمادی از زندگی پس از مرگ شوند (شیخ‌مهدی، ۱۳۸۱، ۵۷). نقوش گیاهی مانند آکانتوس (کنگر)، پالم (نخل)، لوتوس (نیلوفر)، تاک و گل‌های برگ‌دار و درخت‌زندگی، پیش از کاربرد در تزیینات مزارها، در حجاری‌ها، سفالینه‌های باستانی و بسیاری از نگاره‌های آثار هنری در سراسر تاریخ هنری ایران و جهان وجود داشتند. گیاهان و نباتات در فرهنگ ایرانی جایگاهی والا و مقدسی دارند که از اعتقادات باستانی و پیش از اسلام سرچشمه می‌گیرد؛ که گاهی مقام آفرینندگی می‌یابد. تجمع گیاهان بر مزارها، به نوعی باغ ایرانی را جلوه‌گر می‌کند و اشاره به باغ بهشتی دارد که حالت عرفانی به خود گرفته است؛ که در جهان‌بینی اسلامی

۱. Catacomb- معابد و مقابر زیرزمینی و مخفی مسیحیان در صدر مسیحیت، که محل مجامع مخفی و دفن شهدای مسیحی در روم بود.

مرتب‌های از سلسله مراتب وجود-مرحله‌ای از سلوک در راه معرفت است (شاهمندی، ۱۳۹۱، ۱۰۹). «أَوْلَم يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (آیا در زمین به دیده عبرت نظر نکردند که ما چه انواع گوناگون از نباتات پر سود از آن برویانیدیم؟) (الشعراء: ۷). در نظر مسیحیان نیز گیاهان جایگاه مقدس خود را دارند و یک باغ در بسته نمادی از پاکی مریم عذرا است. آنان مرده خود را در تابوتی از جنس چوب قرار می‌دهند که اشاره به چوب صلیب و نماد جسم مسیح و دست یافتن به حیات ابدی است (هال، ۱۳۸۰، ۲۸۰). برطبق عقاید شیعه نیز گذاشتن چند ترکه تازه در کفن متوفی مستحب است؛ که همه این‌ها گویای ارتباط میان گیاهان و مرگ هستند. توصیف بهشت بدون نقوش گیاهان بر روی سنگ مزارها معنایی ندارد و از این رو گل‌ها و درختان بیش‌ترین نقشی هستند که بروی مزارهای ارامنه و تخت فولاد نقر شده‌اند. نقوش گیاهی بر روی سنگ مزارها را می‌توان به دو دسته‌ی کلی درختان و گل‌ها -گلدانی تقسیم کرد که نشان‌گر آمال و آرزوهای بازماندگان بر تنعم و حضور متوفی در باغ فردوس و بهشت جاودان می‌باشد. نقوش اسلیمی در تخت فولاد که در آن از یک طرف بازسازی گیاهان، برگ، ساقه و از سوی دیگر به کار بردن خط به شیوه‌ای آرمانی با بینشی مذهبی را می‌توان دید که در ضدیت با شمایل‌پرستی و بت‌پرستی به اوج خود رسید (شوالیه، ۱۳۸۵، ۱۸۷). بوته‌های گل و گلدانی در سنگ‌مزارها، به شکلی واقع‌گرا و طبیعت‌گرا و گاهی صورتی انتزاعی و پیچیده به خود می‌گیرند؛ که اکثرا متقارن ایجاد شده‌اند.

### الف- نقوش درختان

نقش درخت یکی از اساسی‌ترین نمادهای سنتی است که بر رشد، تولید و بازتولید دلالت می‌کند. درختان با دو جهان خاکی و آسمانی در ارتباطند؛ ریشه‌های فرو رفته در خاک و شاخه‌های رونده در آسمان نمادی از ارتباط میان زمین و آسمان ملکوتی است؛ و با حرکت بالارونده خود نشان‌گر صعود انسان و نشانه مرگ، باززایی و رستاخیز هستند. درختان و گیاهان را بسیاری از اقوام باستانی به عنوان جایگاه خدا، یا در واقع خود آفریدگار می‌پرستیدند که نمادی از کیهان، نماد دانش و حیات جاودانی هستند؛ و در نظر آنان ارواح درختان اغلب مادینه بودند. درختان منقوش بر مزارها معنای مرگ و زندگی را به تصویر کشیده و در انواع مختلفی در بستر مرگ، جان گرفته‌اند. درخت مقدس زندگی، یکی از این‌هاست؛ درختی که اصولا سرو و در دوسوی آن یک جفت جانور مانند پرنده می‌باشد.



این درخت از هنر بین‌النهرین به ایران منتقل و سپس وارد هند و هنر عیسوی قرون وسطی در غرب گردید (هال، ۱۳۸۰، ۲۸۵-۲۹۱). در فرهنگ بسیاری از ملل، درخت زندگی همیشه سبز و شکوفا در بهشت است که میوه‌هایش ابدیت و بی‌مرگی را همراه دارد و با غلبه بر حیوانات و چیدن میوه، سودمندی و جاودانگی را برای انسان به ارمغان می‌آورد؛ که بر بسیاری از مزارهای ارامنه و تخت فولاد شکل گرفته است. در شمایل‌نگاری مسیحی، کشیدن صلیبی با شاخ و برگ، درخت-صلیب رواج دارد که نمادی از خود مسیح است، که تلویحا درخت و محور جهان و نردبان صعود به عرش الهی می‌باشد (شوالیه، ۱۳۸۵، ۱۹۲). «متکین فیها علی الارائك لایرون فیها شمسا ولا زمهریرا ودانیه علیه‌م ظلها وذلت قطوفها تذلیلا» (الانسان: آیه ۱۳) «در آن بهشت بر تخت‌های خویش... سایه‌های درختان به آنان نزدیک است و میوه‌هایش رام» شکل درخت زندگی در دوره اسلامی بر اساس جهان‌بینی اسلامی تعدیل شده و مطابق با مفهوم درخت طوبی ظهور پیدا کرده است. در روایات اسلامی آورده شده که خانه بهشتیان مزین به یکی از شاخه‌های این درخت است و هرچه بهشتیان اراده کنند از خوردنی‌ها بر آن می‌روید. پیامبر از آن به عنوان درختی بهشتی یاد کرده است؛ که برگ‌هایش به آرامی در اثر وزش بادهای بهشتی تکان خورده و صدایی آهنگین ایجاد می‌کند (شیخ مهدی، ۱۳۸۱، ۶۵). در میان درختان آنچه بیش از همه بروی مزارهای تخت فولاد و ارامنه نقش می‌بندد، سرو همیشه سبز، سمبل جاودانگی و حیات پس از مرگ است و با انتساب صفت آزادگی و درختی ویژه خورشید، که زادگاه اولیه آن در فلات ایران بود. در پیش از اسلام، سرو درخت زندگی و مقدس به شمار می‌رفت و مطابق روایات، زرتشت این درخت را از بهشت آورد و پیش در آتشکده ساخت. همچنین بر روی یادمان‌های مربوط به میترا (مهر)، هفت سرو دلالت بر هفت سیاره دارد، که روح در سفر خود به سوی آسمان از آن می‌گذرد. در باستان سرو نماد انتقال روح به آسمان بود و اعتقاد داشتند که این درخت می‌تواند از اجساد محافظت کند؛ بنابراین اغلب در آرامستان‌ها کاشته می‌شد و بر مزارهای ارامنه و مسلمانان ایجاد شد، که نوعی نماد مرگ و زندگی بود (بروس، ۱۳۸۸، ۴۹). سرونگاره‌ها در برخی سنگ‌مزارها، به دو صورت واقع‌گرا (غیرمنظم) و انتزاعی (غیر واقعی) هستند که با انواع با نقوش تزئینی پر شده‌اند؛ از اسلیمی و گل‌ها که در راس آن گاهی منتهی به تاجی به فرم صلیب یا به شکلی مانند گل و بته جقه و یا فرمی انتزاعی منتهی می‌شود؛ و گاهی به طور کلی سرونگاره‌ها به طبیعت نزدیک شده‌اند. سروها به نوعی بیش از هر درخت دیگری بر سنگ‌مزارها حک

گردیده‌اند (تمیزی، ۱۳۹۲، ۷۶-۷۷). به غیر از درخت سرو، درختان دیگری چون تاک، انجیر و نخل نیز در مزارها دیده می‌شوند. درخت تاک نماد مهمی برای مسیحیان است و با شراب و خون مسیح (اشاره به مراسم شام آخر) ارتباط دارد و تصویر شناخت و آگاهی است. مسیح خطاب به حواریون که تکه نانی را تقسیم کرد و فرمود: «بخورید که این پاره‌تن من است و شراب انگور را متبرک کرده به آن‌ها داد و فرمود بنوشید که این خون من است... و گفت من تاک حقیقی هستم...» (انجیل یوحنا، ۱-۶: ۱۵).

### ب- نقوش گل‌ها-گلدانی

نقش و نگاره‌های گل بر سنگ‌مزارها از دوران کهن تا به امروز، گاهی به صورت عناصر تزئینی و پرکننده درحواشی سنگ و یا ایفاگر نقش اصلی است. گل‌های مختلف معمولا دارای معنای مختلف و نمادی از زیبایی و عمر زودگذر و مانند درختان، نویدبخش بهشت هستند. اعتقاد بر این است که گل و گیاهان خوشبو، دافع شر هستند و درگذشتگان را یاری می‌کنند؛ و از این رو درآیین‌های مربوط به مردگان مورد استفاده قرار می‌گیرند. یونانیان و رومیان در هنگام سوزاندن اجسادشان، با قراردادن تاج گل بروی هیزم گلباران و به مردگانشان پیشکش می‌کردند که شاید به دلیل شباهت میان گل و مرده بود و به نوعی گل، کهن‌گویی از روح بود (ادواردو سرلو، ۱۳۸۹، ۶۵۶). نقوش گل‌ها در تخت فولاد به غیر از تزئینات پرکننده مزار بیش‌تر به صورت نقوش گلدانی هستند که سمبل آرامگاه و جایگاه اصلی متوفی است. گل‌ها نقش در گذشتگانی هستند که از زندان تن، پر گشوده و در گلدان ابدی جای گرفته‌اند و زمزمه حیات مجدد را سر می‌دهند؛ که سمبلی از امید به حیات پس از مرگ در سرای باقی‌ست (فقیه میرزایی، ۱۳۸۴، ۲۲۷). گاهی بر روی گل‌ها پرنده‌ای قرار گرفته که نمادی از روح متوفی است که در بهشت جای دارد. مولانا نیز گل را یادآور روح می‌داند که در صعود خود از تمام مراحل هستی و گیاه بودن گذر کرده است. از دیگر نگاره‌های گیاهی آرامگاه‌ها، تصویر دست و گل می‌باشد که نشان‌گر هدیه از طرف بستگان و یا از سوی فرشتگان است که بروی مزارها به شکل تکرار شونده مشاهده می‌شود (جهانمرد، ۱۳۹۷، ۶۸). نقوش گل‌ها در آرامستان ارامنه هم در مواردی به صورت گلدانی و بیش‌تر به شکل شاخه و بوته، حجاری شده‌اند. در هنر مسیحی گل‌های سوسن، بنفشه، گل سرخ و داوودی اشاره به حضرت مریم دارند. گل آفتابگردان با چرخیدن به سوی نور، نمادی از ایمان و معصومیت مسیح و گل داوودی نیز نمادی از خورشید،



جاودانگی و نشان دیگری از حضرت مریم است (هال، ۱۳۸۰، ۳۰۰) از گل‌های دیگر بر سنگ مزارها گل نیلوفر است که در ایران باستان سمبل و نشانه زندگی و آفرینش و نمادی جهانی از تولد و مرگ که بر مزارها مظهر کمال زیبایی آفرینش، بی‌مرگی و دارای زیبایی منحصر بفرد و سمبل و نمودی از علایم مقدس مذهبی ادیان توحیدی است. گل سرخ، یکی دیگر از گل‌هایی است که نقش پررنگی در مزارها دارد و نشانه‌ی زندگی ابدی، مرگ و رستاخیز و همچنین مظهر زیبایی، وصل با خدا و نمادی از خون رسول الله ﷺ است که نمود گل محمدی می‌باشد؛ و در تفکر شیعی که امام حسن علیه السلام و حسین علیه السلام دو گل او نامیده شده‌اند (کوپر، ۱۳۷۹، ۱۱۸). گل سرخ در مسیحیت نیز نماد جام زندگی است که خون مسیح در آن جمع می‌شود که نمادی از روح، قلب و زخم‌های مسیح، مریم عزرا، خون شهیدان و نشانه‌ای از رستاخیز و جاودانگی است (شوالیه، ۱۳۸۵، ۷۴۴). البته بیش‌تر گل‌ها در مزارهای آرامنه و مسلمانان شکل غیرواقعی و انتزاعی به خود می‌گیرند و در مجموع فضایی بهشتی و معنوی می‌آفرینند (جدول ۱- نقوش گیاهی).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

ردیف	توضیحات تخت فولاد	تصویر- تخت فولاد (منابع: نگارندگان)	تصویر- ارمنه جلفا (منابع: نگارندگان)	توضیحات- ارمنه جلفا
۱	تاریخ- نام متوفی: پهلوی ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: ساده- تیزه‌دار نقش: گیاهی- درخت سرو، پرنده (درخت‌زندگی)			تاریخ- نام متوفی: مارگار تاریخ: ویژگی سنگ: کادر و قاب‌بندی: نقش: گیاهی- درخت سرو، پرنده (درخت‌زندگی)
۲	تاریخ- نام متوفی: آقا محمد- پهلوی ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: ساده- مازه‌دار نقش: گیاهی- درخت سرو، پرنده (درخت‌زندگی)			تاریخ- نام متوفی: آقا محمد- پهلوی ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: گل‌دار- تیزه‌دار نقش: گیاهی- دو درخت سرو، گل
۳	تاریخ- نام متوفی: پهلوی- عبدالحمود ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: ساده- تیزه‌دار نقش: گیاهی- برگ کنگری			تاریخ- نام متوفی: ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: گل‌دار- تیزه‌دار نقش: گیاهی- درخت سرو، دو پرنده، گل
۴	تاریخ- نام متوفی: پهلوی- مرحوم مصطفی جعفری ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: فیتله‌ای- تیزه‌دار نقش: گیاهی- گلدانی، آفتابگردان			تاریخ- نام متوفی: گرگوریان ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: گل‌دار- تیزه‌دار نقش: گیاهی- گلدانی، پرنده، فوشته
۵	تاریخ- نام متوفی: پهلوی- حسن خیاط ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: ساده- تیزه‌دار نقش: گیاهی- گلدانی			تاریخ- نام متوفی: ۱۸۱۵م ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: گل‌دار- تیزه‌دار نقش: گیاهی- گلدانی، دوپرنده

جدول ۱- نقوش گیاهی















نقوش جانوری از تزیینات متداول در هنر ایرانی با محتوایی اسطوره‌ای و نمادین است. با وجود استفاده مکرر از آرایه‌های حیوانی در هنر ایرانی و شمالی مسیحی، در سنگ‌مزارهای مسلمانان و مزارستان آرامنه موارد متنوع و زیادی از نقوش جانوری دیده نمی‌شود، که قابل طبقه‌بندی به نقش پرندگان و سایر جانوران اهلی و غیراهلی است؛ شاید محدودیت تصویر نمایش موجودات زنده بی‌تاثیر نباشد. نقوش جانوری مزارها بیش از هر نقش دیگری به طبیعت‌گرایی نزدیک شده‌اند و متداول‌ترین آن‌ها در مزارهای آرامنه و تخت فولاد، نقش پرندگان (کبوتر، طاووس و سایر مرغان بهشتی) هستند؛ که همچون هر موجود بال‌دار نمادی از معنویت و نماینده ارواح، فرشتگان و امدادهای فرا طبیعی اندیشه‌هاست. پرنده به عنوان نماد روح که وجودش بر روی بسیاری از مزارها تاییدکننده این نمادگرایی از روح متوفی است که با نشستن بر گل‌دان و گل‌ها و درختان حیات، سرود زندگی سر می‌دهند؛ و اشاره به جایگاه بهشتی ارواح دارد که با پرواز به سوی آسمان بیان‌گر سبک‌بالی روح، تعالی و رستگاری متوفی است که به سوی بوستان حق پیر گشوده‌اند. در اسلام پرنده نماد روح گریزان از جسم و نمادی از فرشتگان به معنی شناخت و آگاهی معنوی است. در معراج حضرت رسول آمده است: «هنگامی که او به آسمان‌ها عروج کرد در میان محوطه بزرگی ایستاده بود دریافت که میوه‌های درخت زندگی، به افرادی که از آن می‌خورند جوانی دوباره‌ای می‌بخشد. این درخت در میان بیشه‌زاری قرار داشت، با گذرگاهی از درختان پر برگ که بر شاخه‌های آن پرندگان بسیار آشیان کرده بودند و رنگ‌هایی درخشان داشتند و با شیرینی آوازهای خوش می‌خواندند، آنان ارواح پرهیزکاران بودند» (ادواردو سرلو، ۱۳۸۹، ۲۱۸-۲۱۹). در مزارهای آرامنه جانوران بیش‌تر در کنار صلیب و یا بروی گل‌ها هستند. پرنده به عنوان نمادی از روح، بی‌گناهی و پاکی و مهم‌تر از همه در مسیحیت نماد روح القدس است؛ که همچون کبوتری سفید و نورانی بر حضرت مسیح ظاهر می‌شود. پرواز پرنده خود نشان‌گر گشودن انسان از زندان تن و دل بریدن از تعلقات و وابستگی‌های کره خاکی و شیطان، به سوی روشنایی و بهشت است. در انجیل متی باب سوم آیه ۱۶ آمده: «یحیی چون غسل تعمید یافت از آب بیرون آمد و آن‌گاه آسمان به روی او باز شد و روح خدا را دید که همچون کبوتری فرود آمد و به سر او بیامد و آوایی از آسمان گفت: این پسر من است که او را دوست دارم و از او خشنودم». همان‌طور که گفته شد، در میان نقوش جانوری، پرندگان سهم بیش‌تری در آرامستان تخت فولاد و آرامنه به خود اختصاص داده‌اند که در کنار نقوش دیگر اشاره به باغ فردوس و جایگاه

والایی دارند که خداوند به انسان‌ها بشارت داده است. اسب نیز شاید نمادی از شجاعت، سرعت و گذر از عالم برزخ باشد. اسب بدون سوار نیز اشاره به مرگ دارد و این نقش به طور کلی از دیرباز همراه آیین‌های تدفین بوده است و در نقوش تخت فولاد و آرامستان آرامنه در حالی که مردان و پهلوانان یا نظامیان بر آن سوار شده‌اند، دیده می‌شود. نقش آهو نیز به شکل جانوری بهشتی نشانه‌ای از روح متوفی است که به شکار مرگ در آمده و یا فرار روح از جهان مادی و شهوانی است؛ همچنین سرعت و دوندگی‌اش نشان از گذر سریع و برق آسای عمر انسان است. علاوه بر این، آهو با صفات زیبا و معصومش اشاره به ضامن آهو و امام رضا دارد. شیر نیز سمبلی از قدرت، شجاعت و پهلوانی متوفی است و به صورت نگهبان مزار است که با رسمی شدن مذهب شیعه، که آن را نمادی از شجاعت و قدرت حضرت علی (شیر خدا و حیدر) قرار دادند (تناولی، ۱۳۸۸، ۳۸). گاهی شیر در حال شکار می‌تواند نمادی از مرگ باشد و در برخی مزارها شیر نشان متوفی است که روزگاری به پهلوانی شهره بوده است. ماهی نیز در ادیان توحیدی نمادی از پاکی، زایش دوباره و زندگی پس از مرگ و نماد عنصر آب و آمیزش ثمربخش و مسیح است (هال، ۱۳۸۰، ۱۰۰). این نقش گاهی درون طشت‌آب‌ها<sup>۱</sup> قرار دارد که پس از شستن سنگ و پر شدن از آب پر معنا جلوه می‌کند. نقش گوسفند در تعدادی از سنگ مزارهای آرامنه که نمادی از معصومیت و پاکی مسیح و نشانی از قربانی شدنش برای نجات بشر است. بره و قوچ اشاره به داستان ابراهیم در قربانی کردن اسماعیل دارد (شاهمندی، ۱۳۹۱، ۱۳۹). نقوش جانوران به طورقرینه در دوسوی نقوش گیاهی نشان‌دهنده‌ی درخت زندگی است که جایگاه متوفی در بهشت را بیان می‌کند و در تخت‌فولاد و آرامستان آرامنه، جانوران در حرکات مختلف بر سنگ‌مزارها به صورت منفرد و یا جفتی در ارتباط با یکدیگر ترسیم شده‌اند (جدول ۲-نقوش جانوری).

۱. «طشت‌آب» عنوانی برای نقوش حجاری شده بر مزارهاست که به صورت حوضچه‌هایی در شکل و اندازه‌های گوناگون ایجاد شده‌اند (منتظرالقائم، ۱۳۸۹، ۱۶۱-۱۶۲).

ردیف	توضیحات تخت فولاد	تصویر - تخت فولاد (منابع: نگارندگان)	تصویر - آرامنه جلفا (منابع: نگارندگان)	توضیحات - آرامنه جلفا
۶	تاریخ-نام متوفی: محمدباقر سمیعی- پهلوی قاب‌بندی سنگ: ساده- مستطیل نقش: جانوری- پرنده کبوتر- گلدان			تاریخ-نام متوفی: ۱۹۸۴ آبراهام زاروکیان قاب‌بندی سنگ: فیتله‌ای- مازهدار نقش: جانوری- پرنده کبوتر در پناه صلیب
۷	تاریخ-نام متوفی: - پهلوی قاب‌بندی سنگ: ساده- مازهدار نقش: جانوری- آهو- پرنده- گل			تاریخ-نام متوفی: مانوش اوهانیان قاب‌بندی سنگ: فیتله‌ای- مازهدار نقش: جانوری- گوزن - باغ گل
۸	تاریخ-نام متوفی: حسین آقایی اصلان پهلوی قاب‌بندی سنگ: ساده- مازهدار- نقش: جانوری- شیر نقوش گیاهی، گل			تاریخ-نام متوفی: مانوش اوهانیان قاب‌بندی سنگ: فیتله‌ای- مازهدار- ستون نقش: جانوری- قوچ، صلیب، فرشته
۹	تاریخ-نام متوفی: اقدس السادات سمندی- پهلوی قاب‌بندی سنگ: گل دار- مازهدار نقش: جانوری- ماهی - تشت آب			تاریخ-نام متوفی: قاب‌بندی سنگ: ساده- مازهدار- نقش: جانوری- پرنده‌گان- گلدان گل- درخت زندگی
۱۰	تاریخ-نام متوفی: مرحوم فاطمه- پهلوی قاب‌بندی سنگ: ساده- تیزه دار نقش: جانوری- پرنده‌گان- گل			تاریخ-نام متوفی: قاب‌بندی سنگ: گل دار- مازهدار نقش: جانوری- پرنده‌گان- صلیب، گل

جدول ۲- نقوش جانوری

### ۳- نقوش فرشتگان

نقش فرشتگان در نزد ایرانیان از دیرباز جایگاهی خاص و مقدس داشته و واسطه مبدأ نورانیت و نمادی از نیروهای نادیدنی و رابط خداوند با مخلوقات به شمار می‌رفت. فرشتگان واسطه‌های آسمان و ملکوت با جهان ماده هستند که در نمادهای اسلامی گرداگرد عرش الهی تجلی می‌یابند و موجوداتی صرفاً از جنس نور یا از ماده روحی مناسب برای جسمی اثری و یا از جنس هوا هستند؛ که از نظر ظاهری ممکن است به صورت انسان در آیند. در بسیاری از فرهنگ‌ها با تفاوت اندکی، آنان پیام آوران، نگهبانان و مجریان فرامین الهی و حامیان مومنان می‌باشند که حضور پررنگی از دوران باستان و هم در ادیان آسمانی دارند (جهانمرد، ۱۳۹۸، ۵۸). فرشتگان دارای دو بال هستند و هرچه جایگاه بالاتری یابند بر تعداد بال‌هایشان افزوده خواهد شد، فرشتگان مقرب که شش بال دارند که با آن به دور عرش الهی می‌چرخند؛ دو بال برای پوشاندن صورت (از هیبت دیدار با خدا)، دو بال برای پوشاندن پاهای خود و دو بال برای پرواز تا با آن فرامین خداوند را به جهانیان منتقل کنند و نظارت داشته باشند. فرشتگان چهاربال و شش بال به ترتیب «کروبه» و «سروبه» نامیده می‌شوند (درسنگ‌مزارها با دو بال هستند). سلسله مراتب ملک‌های مقرب به همجواری آنان با عرش خداوند بستگی دارد و اصلی‌ترین آن‌ها سه‌تن هستند: میکائیل (فاتح بر اژدها)، جبرئیل (وحی‌دهنده و الهام‌بخش) و اسرافیل (رهنمای طبیعیان و مسافران) که در تمام ادیان توحیدی به آن‌ها اشاره شده است (شوالیه، ۱۳۸۴، ۳۸۸-۳۸۳).

در تخت فولاد، نقش فرشته نسبتاً زیاد و به خصوص در تکیه میرفندرسکی، بیش از همه دیده می‌شود که مظهر معاد انسانی و زندگی جاودانه و نمود مقام والا و تقدس فرشتگان در اسلام و قرآن است. «وَالنَّازِعَاتُ غَرْقاً وَ النَّاشِطَاتُ نَشْطاً وَ السَّابِحَاتُ سَبْحاً فَالْمُتَبِعَاتُ بِحِثِّ الْوُجُوهِ» (النازعات: ۱-۵). (سوگند به فرشتگانی که جان کافران را بسختی گیرند و سوگند به فرشتگانی که با شادی و آرامی مومنان را جان می‌ستانند و سوگند به فرشتگانی که در پهنای عالم شناورند و آن‌گاه به فرشتگانی که در اجرای فرمان خدا چنان‌که باید پیشی می‌گیرند و آن‌گاه به فرشتگانی که کارها را برنامه‌ریزی و تدبیر می‌کنند). از پیامبر ﷺ نقل شده است که «ذره‌ای از عالم نیست که فرشته‌ای بر او گماشته نباشد و قطره‌ای نیست که با او فرشته نباشد». در اعتقادات مسلمانان پس از این که مرده به



خاک سپرده می‌شود، دو فرشته نکیر و منکر بر او ظاهر می‌شوند و در شب اول قبر میت را مورد حسابرسی قرار می‌دهند. این فرشتگان سنگی شاید اشاره به دو فرشته‌ای دارند که بر شانه‌های چپ و راست انسان‌ها در حال نوشتن اعمال نیک و بد آنان هستند. فرشتگان در آرامستان تخت‌فولاد مانند آرامنه اصفهان، بیش‌تر به صورت نقوش جفتی و قرینه حضور دارند؛ اما به جای نقش محوری صلیب که در دستان فرشتگان ارمنی است، در اینجا فرشتگان اکثراً در دو سوی سرلوحه گل و گیاهی را در دست و تاج پادشاهی بر سر دارند. گاهی تک فرشته‌ای با گلی در دست، دیده می‌شود و در برخی موارد در مزارهای آرامنه و مسلمانان، نقوش فرشتگان در مزارهای تخت‌فولاد با اندام کامل و حجیم‌تر به صورت جفتی در دو سوی سنگ مزار هستند. این در حالی است، که تصاویر فرشتگان ارمنی در مزارها به شکل بالاتنه همراه با بال‌ها و تخت‌تر و به تعداد بیش‌تر از دوتا، سه و چهارتایی در هر سنگ‌مزار جلوه‌گر می‌شوند. به طور کلی نقوش فرشته در دوره قاجار و پهلوی به دلیل ورود تفکرات اروپا مآبانه و بازگشت به سنن هنری ایرانیان باستان ظاهر می‌شوند. فرشتگان اکثراً در سنگ مزارهای آرامنه، به دور حضرت مسیح با نمادی از صلیب، تاج و قلب هستند و اولوهیت او را شهادت می‌دهند. با آن‌که در کتاب مقدس هیچ اشاره‌ای به فرشته نگهبان نشده است، اما مقدسان و پرهیزکاران حامیان خود را دارند و مانند مسلمانان هر مومنی را فرشته‌ای همراهی می‌کند. نقش فرشتگان در کتاب مقدس آرامنه همچون قرآن، بسی عظیم است که نمود زیاد آن‌ها نشانه جایگاه والایشان می‌باشد. فرشتگان به شکل لچکی در گوشه‌های مزار و یا چلیپایی (۴تایی) با بال‌های نیمه‌باز و با شمایل انسانی در حال پرواز هستند که مسیح و یا صلیب را همراهی می‌کنند و گاهی هدیه‌ای برای مسیح می‌آورند و یا در حال حمل تاج شاهی از جانب خداوند برای مسیح هستند؛ که به خاطر غلبه او بر مرگ و عروج آسمانی و سلطنت بر جهانیان بر قلب صلیب‌دار و یا خود صلیب که نماد مسیح است، قرار داده می‌شوند و همراه بره اشاره به رستاخیز دارند. تاج خود نمادی از اقتدار، شرافت، عزت و کمال فرشتگان است و بی‌مرگی آنان را به رخ می‌کشد. در تعدادی از مزارهای آرامنه، فرشته مقرب در حال ایستاده با دستانی گره‌زده، حالتی غمگین دارد و در حال نیایش و طلب مغفرت برای متوفی است (شاهمندی، ۱۳۹۲، ۱۰۳). فرشتگان آرامنه بیش‌تر به شکل سر بدون‌تنه، همراه با بال گشوده (نماد فرشته نگهبان)، ظاهر می‌شوند و گاهی فرمی حجیم و مجسمه‌گون می‌یابند (جدول شماره ۳-نقوش فرشتگان).



ردیف	توضیحات تخت فولاد	تصویر - تخت فولاد (منابع: نگارندگان)	تصویر - ارامنه جلفا (منابع: نگارندگان)	توضیحات - ارامنه جلفا
۱۱	تاریخ-نام متوفی: پهلوی ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: ساده- گل‌دار نقش: فرشته- گل.		تاریخ-نام متوفی: کاراپا ابراهیمیان- پهلوی ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: فیتله‌ای - مازه‌دار نقش: فرشته- صلیب، گل، ستون	
۱۲	تاریخ-نام متوفی: بی‌بی مصمام السلطنه- پهلوی ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: مستطیل گل‌دار نقش: فرشته- گل، گلدانی		تاریخ-نام متوفی: مارگار کوسداندیان ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: فیتله‌ای - مازه‌دار نقش: فرشته- صلیب، قلب، گل، ستون	
۱۳	تاریخ-نام متوفی: عبدالغفار حاجی محمد پهلوی ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: ساده نقش: فرشته- نقوش - گل - پرنده هدهد		تاریخ-نام متوفی: هوسپ جانجیکیان ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: گل‌دار - مازه‌دار نقش: فرشته- نقوش گیاهی - گل	
۱۴	تاریخ-نام متوفی: ۱۳۲۷ ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: ساده مازه‌دار نقش: فرشته- گیاهی گلدانی - پرنده و گل		تاریخ-نام متوفی: کادر و قاب‌بندی: گل‌دار - تیزه‌دار نقش: فرشته، تاج مسیح، گنبد کلیسا	
۱۵	تاریخ-نام متوفی: ناصرقلیخان اسفندیاری ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: گل‌دار- نقش: فرشته- گل		تاریخ-نام متوفی: ۱۸۱۵م ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب‌بندی: گل‌دار - تیزه‌دار نقش: گیاهی- گلدانی، دوپرنده	

جدول ۳- نقوش فرشتگان



#### ۴- نقوش مشاغل

تصاویر انسانی از جمله نقوشی هستند که پیش از اسلام در حجاری هخامنشیان، گچبری سردیس‌های ساسانی و در صحنه‌های تاجگذاری، رزم، بزم، شکارگاه شاه و درباریان و الهه‌ها ظاهر گردیدند؛ که در عین جنبه تزئینی و سمبلیک، گویای تاریخند. با آغاز دوره اسلامی، موجودات زنده به خصوص تصاویر انسانی با محدودیت روبرو و از جرگه مضامین هنری به ویژه در سنگ مزارهای مسلمانان مانند تخت فولاد حذف گردید. تصاویر انسانی در آرامستان ارامنه در مقایسه با مزارهای تخت‌فولاد جایگاهی پر رنگ‌تری دارند و این تاحدودی به دلیل نظام سلسله مراتبی هنرها در اسلام (تجلی) و مسیحیت (تجسد) است که هنر فیگوراتیو نقشی اساسی و محوری در مسیحیت و حال آن که در اسلام این جایگاه را کلام دارد. بر خلاف تخت‌فولاد، بسیاری از مزارهای ارامنه مزین به نقوش زنان و مردان هستند. البته در دوره قاجار و پهلوی برسنگ مزارهای تخت فولاد، نمونه‌های بیش‌تری از نقوش انسانی قرار دارند که تمامی آن متعلق به مردان است که در مزارهای تخت فولاد سوار بر اسب، نظامیان، پهلوانان و قهرمانانی هستند و با پوشش‌های متفاوت بیش‌تر نمایان‌گر شغل متوفی می‌باشند. نقوش انسانی در مزارهای ارامنه جلفا با تنوع و تعداد بسیار بیش‌تر، کاملاً متفاوت با تخت فولاد رخ می‌نماید و نوع پوشش اشخاص نیز مانند تخت فولاد با نهایت ظرافت و دقت نقش شده است؛ که حتی چین و پردازهای لباس و زیور آلات آنان را به نمایش می‌گذارد و نوع پوشش لباس باتوجه به دوره‌های تاریخی مختلف، شهری و با توجه به جایگاه و مقام اجتماعی آنان متفاوت است. مثلاً در سنگ‌مزارهای ارامنه عمامه‌های بزرگ دوره صفوی و در دوره قاجار، کلاه‌های کشیده قجری، سبیل و یا حضور قلیان در کنار نقوش انسانی هستیم. با آن که جنسیت زن و مرد کاملاً از هم متمایز است، اما چندان تفاوتی در چهره‌ها به صورت واقع‌گرا وجود ندارد (شاهمندی، ۱۳۹۱، ۱۲۲-۱۲۹).

یکی دیگر از نکات قابل توجه در نقوش انسانی آرامستان ارامنه، وجود سنگ‌مزارهای جفتی برای زن و شوهر است، که نشان از روابط خانوادگی مستحکم، پیوند مقدس و ماندگار زناشویی ارامنه دارد؛ که این مساله در مزارهای قدیمی و هم در زمان حاضر دیده می‌شود. نقوش انسانی مانند تخت‌فولاد بیش‌تر اشاره به مشاغل متوفی دارند و در مزارهای ارامنه به وفور بوده و زنان جایگاه پررنگی دارند. ارامنه تاجران و صنعتگران ماهر

و زبردستی بودند که پس از مهاجرت به جلفای اصفهان از دوره صفویه، بسیاری از امور تجاری، نظامی و صنعتی را به دست گرفتند و با موفقیت روز افزونشان بیش از پیش مورد اعتماد و حمایت برخی شاهان قرار گرفتند. برخی از مشاغل آن روزگار که بر مزارهای آرامنه و تخت فولاد نقش بسته است، امروزه یا به کلی از بین رفته و یا تنها نام و حضور کم رنگی دارند. مشاغلی مانند زرگری، ساعت سازی، خراطی، سنگ تراشی و حکاکی، بنایی و نظامی که با قرار دادن تصاویر انسانی و ابزارهای کار مثل چکش، تیشه، قلم، متر، ترازو به دقت بازنمایی شده‌اند. در نمونه‌های بسیاری از مزارهای آرامنه، زنان در حال فرش بافی و خیاطی یا در حال انجام امور خانه‌داری هستند. با بررسی تطبیقی نقش مشاغل در آرامستان آرامنه جلفا با تخت فولاد، نقش مشاغل آرامنه که در آن ابزار کار اکثرا با تصویر انسانی همراه شده است، اما در تخت فولاد نقوش مشاغل بیشتر به اشیا و ابزارآلات اختصاص می‌یابد و در آن تصویر انسان چندان حضوری ندارد. تنها نقوش ساده و پیکتوگرام از ابزار آلات ترازو، اره، چکش، قیچی و چاقو و غیره که در نهایت صراحتشان بیانگر شغل متوفی می‌باشد. شاید دلیل حضور نشانه‌ی مشاغل، نبود سواد کافی مردم در قدیم بود که برای پیدا کردن مسیر و مزار مورد نظر استفاده می‌شد و به مرور زمان این نقوش رسمیت یافتند و حجاران به درخواست اطرافیان متوفی نقشی حک می‌کردند. این نکته را هم باید در نظر داشت که در ادیان الهی کار و حرفه، عبادت است و از این رو اهمیت زیادی در مزارها دارند (نادری، ۱۳۸۸، ۳۴۸). در زمان‌های نه چندان دوری که آدم‌ها با شغل و حرفه خود شهره بودند و شاید نسل به نسل می‌گشت و حالت موروثی داشت؛ مثل عبدالغفار قصاب، استاد حسین آهنگر و خیاط هانا؛ این نقوش تا چند دهه اخیر نیز بر سنگ‌ها، رایج بود. همچنین اشیای دیگری غیر از نقوش مشاغل دیده می‌شود؛ مثلا کسکول در تخت فولاد که نشان از مشرب صوفیه دارد و مهر و تسبیح (در هر دو آرامستان آرامنه و تخت فولاد) که بیانگر ایمان و تقوای متوفی است (منتظرالقائم، ۱۳۸۹، ۴۹۴). نقوش مختلف در بسیاری از سنگ‌مزارها در هم می‌آمیزند و صحنه تصویرسازانه زیبا و بدیعی را می‌آفرینند. از نقش گل و پرنده و دیگر مضامین عارفانه گرفته تا چهره متوفی، صحنه‌های رزم، شکارگاهی و صحنه‌های گرفت و گیرکه به نمایش درآمده‌اند و این نقوش اسرارآمیز تلاش انسان برای رسیدن به سرمنزله بهشت را نشان می‌دهند؛ و ریشه‌های عمیقی در فرهنگ و هنر ایرانیان دارد که نشانه‌ای از جدال مرگ و زندگی هستند (جدول ۴-نقوش مشاغل).

ردیف	توضیحات تخت فولاد	تصویر- تخت فولاد (منابع: نگارندگان)	تصویر- آرامنه جلفا (منابع: نگارندگان)	توضیحات- آرامنه جلفا
۱۶	تاریخ- نام متوفی: ملا آقا جان حسین تعزیه خوان- پهلوی ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب بندی: ساده- مازهدار نقش: مشاغل - تعزیه خوان و نیزه		تاریخ- نام متوفی: فرزند پاک ماردیروس ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب بندی: ساده- تیزهدار نقش: انسانی- روحانی صلیب	
۱۷	تاریخ- نام متوفی: شیرحسین- پهلوی ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب بندی: مستطیل- ساده نقش: مشاغل، گل، میل زورخانه و کیاده و ماهی		تاریخ- نام متوفی: مارگار ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب بندی: ساده- تیزهدار نقش: انسانی - صلیب، مرد، قیچی	
۱۸	تاریخ- نام متوفی: استوار مهدی پیدآبادی پهلوی ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب بندی: ساده- مازهدار نقش: مشاغل - نظامی- گل لاله		تاریخ- نام متوفی: همسر غوکاس اوهانیه- ۱۸۱۸ ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب بندی: گل دار- تیزهدار نقش: انسانی- زن خانه دار و گل- سرو	
۱۹	تاریخ- نام متوفی: استاد نصرالله رفانیل ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب بندی: ساده مازهدار نقش: مشاغل- دست و قلم و نقوش گیاهی		تاریخ- نام متوفی: یغیساپت هاگوبیان ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب بندی: گل دار- مازهدار نقش: انسانی، زن و چرخ نخریسی	
۲۰	تاریخ- نام متوفی: ربابه سلطان مشهدی ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب بندی: ساده- مربعی نقش: مشاغل- چرخ خیاطی- قیچی		تاریخ- نام متوفی: خیاط هانا ویژگی سنگ: افقی کادر و قاب بندی: ساده- تیزهدار نقش: انسانی- زن خیاط، قیچی و ..	

جدول ۴- نقوش مشاغل

## نتیجه‌گیری

حضور متعدد نقوش گیاهی، جانوری، فرشتگان و مشاغل، در دو آرامستان تخت‌فولاد و آرامنه اصفهان که از مهم‌ترین آرامگاه‌های ایران محسوب می‌شوند، بسیار قابل‌تامل است. این پژوهش بر مبنای نظریه تجلی (شمایل‌گریزی) و تجسد (شمایل‌گرایی) در متن دین (اسلام و مسیحیت)، به مطالعه تطبیقی این نقش‌مایه‌ها پرداخته است. ارتباط مستمر آرامنه با ایرانیان و تعاملات فرهنگی آنان از زمان‌های کهن و کوچ آرامنه به ایران در دوره صفوی و اشتراکات ادیان توحیدی اسلام و مسیحیت، از سوی دیگر خلق آثار هنری مختلفی از جمله سنگ‌مزارها را موجب شده است. پردیس‌نگاره‌های سنگ‌مزارهای آرامستان تخت‌فولاد و آرامنه جلفا بازتاب جهان‌بینی خاص ادیان الهی اسلام و مسیحیت هستند که بر مبنای آن هنر مسیحیت از بنیان بر اساس شمایل‌گرایی شکل گرفت و رابط بین مومن و خدا در این دین مبتنی بر تجسد است، در حالی که در اسلام با شمایل‌گریزی (تجلی) کلام این جایگاه مقدس را می‌یابد. در نتیجه تعداد کم تصویرگری به ویژه نقوش انسانی در تخت فولاد برخلاف آرامنه‌ی جلفا، دلیل مخالفت دین نیست، همان‌طور که بر عکس نبود کتیبه به میزان زیاد در کلیساها و مزارهای آرامنه را نباید به مخالفت آن دین با کلام تعبیر کرد. مرگ در آیین مسیحیت و اسلام با اعتقاد به برزخ و رستاخیز، داوری الهی و بهشت و دوزخ، بازتاب متفاوتی در سنگ‌مزارهای آرامنه و تخت فولاد دارد و سنگ به ظاهر سرد و خشن با صلابت و ماندگاری، در دنیایی از خطوط و نقوش هنرمندان، معنایی معنوی و روح نواز می‌یابد. نقوش گیاهی (درختان و گل‌ها) که بیش از هر نقشی در مزارهای تخت فولاد و آرامنه نقش بسته‌اند و سرسبزی و طراوتشان، نشانی از سرود بهشت در آرامگاه‌ها هستند. نقوش فرشتگان در تخت فولاد و آرامستان آرامنه، به صورتی تکی، دوتایی یا بیش‌تر، و همچنین نقش پرندگان که بیک الهی و حامل پیامی الهی برای ارواح و مکملی بر باغ بهشتی هستند. نگاره‌های مشاغل مزارهای آرامنه جلفا نیز اکثراً به صورت تجسد زنان و مردان متوفی و روایتگر پیشه آنان و در تخت فولاد عمدتاً به صورت پیکتوگرام ابزار و ادوات مشاغل که بیانگر تجلی خصوصیات شخصی و وضعیت زندگی دوران حیات شخصی متوفی هستند. به طور کلی نقوش در سنگ مزارهای آرامستان آرامنه با نماد مسیح و تجسد نقوش و در تخت فولاد با کتیبه‌ها و تجلی نمادین نقوش در می‌آمیزند؛ گویی هنرمندان ارمنی از دیدگاه انسان به خدا و هنرمندان مسلمان از دیدگاه خدا به انسان می‌نگرند.

## کتاب‌نامه

- قرآن کریم.
- انجیل.
- احمدی، کامران (۱۳۸۸)، پیشینه ارتباط ایرانیان و ارمنه در تاریخ، *نشریه پیمان*، شماره ۴۷، صص ۱۰۲-۹۳.
- بروس، میراندا و میت، فورد (۱۳۸۸)، *فرهنگ مصور نمادها و نشانه‌ها در جهان*، تهران: انتشارات کله‌ر.
- بلانت، ویلفرد (۱۳۸۳)، *اصفهان مروارید ایران*، اصفهان: نشر خاک.
- بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۴)، *قدر (نظریه هنر و زیبایی در تمدن اسلامی)*، تهران: انتشارات سوره مهر.
- بوركهارت، تیتوس (۱۳۸۶)، *میانی هنر اسلامی*، ترجمه امیرنصری، تهران: انتشارات حقیقت.
- تحویلدار، حسین بن محمد ابراهیم (۱۳۸۸)، *جغرافیای طبیعی و انسانی*، تهران: نشر اختران.
- تمیزی، مهدی (۱۳۹۲)، *در سایه سرو- سرو نگاره‌های سنگ آرامگاه‌های مردم اصفهان*، تهران: نشر رسم.
- تناولی، پرویز (۱۳۸۸)، *سنگ قبر*، تهران: نشر بن گاه.
- جهان‌نرد، بهاره (۱۳۹۷)، *پردیس نگاره‌ها (بررسی نقوش سنگ مزارهای آرامستان تخت فولاد و ارمنه جلفای اصفهان)*، اصفهان، انتشارات هنرهای زیبا.
- جهان‌نرد، بهاره، ولی‌بیگ، نیما (۱۳۹۸)، *بررسی تناسب و ترکیب‌بندی سنگ‌مزارهای با نقش‌مایه فرشته در آرامستان ارمنه جلفای اصفهان*، *فصلنامه علمی-پژوهشی نگره*، دوره ۱۴، شماره ۵۲، صص ۶۷-۵۳.
- حق نظریان، آرمن (۱۳۸۵)، *کلیساهای ارمنه جلفای نو اصفهان*، ترجمه نارسیس سهرابی تهران: فرهنگستان هنر.
- خدادادی، علی و صفی خانی، نینا و احمد پناه، ابوتراب (۱۳۹۷)، *بررسی تطبیقی نقش‌مایه فرشته در سنگ قبور آرامگاه ارمنه و تخت فولاد اصفهان*، *نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، دوره ۲۳ (صص ۸۳-۹۲).
- ----- (۱۳۹۳)، *نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبور قبرستان تخت فولاد اصفهان (با تاکید نقوش حیوانی شیر و ماهی)*، *نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، دوره ۱۹، ۸۰-۶۷.
- دروهانیان، هارتون (۱۳۷۹)، *تاریخ جلفای اصفهان*، مترجمان لئون میناسیان، محمدعلی موسوی فریدنی، اصفهان: نشر زنده رود.
- رائین، اسماعیل (۱۳۴۹)، *ایرانیان ارمنی*، تهران: نشرامیرکبیر.
- شاهمندی، اکبر (۱۳۹۲)، *بررسی و مقایسه تطبیقی طشت آب‌های قبور در آرامگاه‌های تخت فولاد و ارمنه اصفهان*، *نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، دوره ۱۸، صص ۴۴-۳۳.
- شاهمندی، اکبر و شهیدانی، شهاب (۱۳۹۲)، *نقش‌های ماندگار- سیری در قبور ارمنه ایران*، اصفهان: نشر مولف.
- ----- (۱۳۹۳)، *نقش و جایگاه آرامگاه تاریخی تخت فولاد در حیات شهری اصفهان از صفویه تا معاصر*، *فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۹۱-۱۱۲.
- شوالیه، آلن گریبان (۱۳۸۴)، *فرهنگ نمادها*، ترجمه سودابه فضایی، ۵ جلد، تهران: انتشارات جیحون.
- شیخ مهدی، علی (۱۳۸۱)، *بررسی نماد درخت در فیلم‌های عباس کیارستمی*، تهران: *فصلنامه فرهنگستان هنر، خیال ۲*.
- عقیلی، احمد (۱۳۸۴)، *تخت فولاد اصفهان*، اصفهان: انتشارات کانون پژوهش.
- غروی، مهدی (۱۳۷۶)، *آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.



- فتائی، گارگین(۱۳۸۷). *نام‌های خانوادگی ارمنی*، مجله‌ی پیمان، تهران، موسسه ترجمه و تحقیق حور.
- فقیه میرزایی، گیلان و مخلصی، محمد علی (۱۳۸۴)، *تخت فولاد، یادمان تاریخی اصفهان*، تهران: میراث فرهنگی.
- کاظم‌پور، مهدی، محمدزاده، مهدی، شکرپور، شهریار(۱۳۹۹)، تحلیل نمادشناسی نقوش سنگ مزارات اسلامی موزه شهر اهر، *نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، دوره ۲۵، شماره ۱، صص ۷۱-۸۶
- کربن، هانری (۱۳۷۱)، *آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی*، ترجمه داریوش شایگان، موسسه نشر آگاه: تهران.
- کریمی پور، محمدعلی(۱۳۹۰)، *بررسی نقش و نگاره های سنگ مزارهای قبرستان دارالسلام شیراز*، کتاب اردیبهشت ۲: انتشارات یساولی.
- لازاریان، ژانت(۱۳۸۲)، *دانشنامه ایرانیان ارمنی*، تهران: انتشارات هیرمند.
- مانوکیان، آرپی (۱۳۸۶)، پیمان- *فصلنامه فرهنگی ارمنیان*، سال یازدهم، تابستان. شماره ۴۰.
- مولند، اینار (۱۳۸۰)، *جهان مسیحیت*، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران: نشر امیرکبیر.
- میناسیان، هویک، اسکندری، آرداشس-گروه پژوهش مردم‌نگاری اصفهان(۱۳۸۵)، *سنگ‌مزارهای ارامنه*، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان اصفهان.
- مصلح الدین، مهدوی(۱۳۸۲)، *مزارات اصفهان*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- مظاهری، هوشنگ(۱۳۸۲)، *آرامگاه خارجیان در اصفهان*، اصفهان: انتشارات غزل.
- منتظرالقائم، اصغر(۱۳۸۹)، *دانشنامه تخت فولاد اصفهان*، اصفهان: نشر سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- نادری، فاطمه(۱۳۸۸)، *معرفی پیکتوگرام های تخت فولاد اصفهان*، *مجموعه مقالات اردیبهشت*، تهران: یساولی.
- نیلفروشان، محمد رضا، تربت پاک- *معرفی تخت فولاد اصفهان* (۱۳۸۴)، اصفهان: انتشارات گلدسته .
- ورهرام، غلامرضا(۱۳۸۵)، *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار*، تهران: نشر معین.
- همایی، جلال الدین(۱۳۸۱)، *تاریخ اصفهان-جلد ابنیه و عمارات-فصل تکایا و مقابر*، تهران: نشر هما.
- هوویان، آندرانیک(۱۳۸۴)، *ارمنیان ایران*، تهران: انتشارات هرمس.
- یونگ، کارل گوستاو(۱۳۸۴)، *مرگ ارغنون-فصلنامه فلسفی، ادبی، فرهنگی*، مترجم: رضایی، فرزین، شماره ۲۶ و ۲۷ صص ۱۷۴-۱۹۶.

- Armenian ornamental art, Armen Kyurkchyan, Hrair Hawk Khatcherian, 2010, Craftology LLC.
- California studies in the history of art, Kathleen cohen, Metamorphosis of a death symbol, the transi tomb in the late middle ages, 1980